

اقتصاد سیاسی

اشتغال زنان

ایران ۸۷-۱۳۵۷

رکسانا بهرامی تاش و هادی صالحی اصفهانی

ترجمه

مهشید کریمایی

www.ketab.ir

پهرامی تاش، رکسانا Bahramitash, Roksana

اقتصاد سیاسی اشتغال زنان: ایران ۸۷-۱۳۵۷/نویسنده (صحیح: ویراستار) رکسانا بهرامی تاش، هادی صالحی اصفهانی، مترجم مهشید کریمایی

تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۳۹۷

۴۱۲ص.

مجموعه جامعه و سیاست ۶

۷۴-۹-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸

فیبا

عنوان اصلی: Veiled Employment Islamism and the Political Economy of Women's employment in Iran

کتابنامه

زنان-ایران-اشتغال-مقاله ها و خطابه ها

Women—Employment—Iran—Addresses,lectures

زنان-ایران-اشتغال-سیاست و دولت-مقاله ها و خطابه ها

Women—Employment—Government policy—Iran—Addresses,essays,lectures

زنان-اشتغال-مقاله ها و خطابه ها

Women—Employment—Addresses,lectures

ایران-تاریخ-جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸-زنان مقاله ها و خطابه ها

Iran—History-Islamic Republic, 1979—Women—Addresses,essays,lectures

صالحی اصفهانی، هادی Saleh Esfahani, Hadi

کریماء، مهشید، مترجم Karimaee, Mahshid

۱۳۹۷/تاب ۹، ۵۶/۸۲ HD۶۱

۵۵: ۴۱۲۵۰

۵۳۱:

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر: تهران

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست نویسی

بازداشت

داشت

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی



اقتصاد سیاسی

اشتغال زنان

ایران ۸۷-۱۳۵۷

نویسنده: رکسانا بهرامی تاش، هادی صالحی اصفهانی

مترجم: مهشید کریمایی

انتشارات شیرازه کتاب ما

طراح جلد: پردیس خرمی

تیراژ: ۶۶۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۷

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.net

فهرست مطالب

۷..... یادداشت دبیر مجلّه

۱۱..... پیشگفتار

رکسانا بهرامی تاش و هادی صالحی اصفهانی

۴۳..... فصل اوّل: جنسیت و جهانی شدن

تجربه ایرانی (جنیفر سی. اولمستد)

۷۹..... فصل دوّم: مدرنیزاسیون، انقلاب و اسلام‌گرایی

اقتصاد سیاسی اشتغال زنان (رکسانا بهرامی تاش و هادی صالحی اصفهانی)

۱۱۳..... فصل سوّم: از انقلاب تا اصلاحات

سیاست‌های جنسیتی و اشتغال (رکسانا بهرامی تاش و هادی صالحی اصفهانی)

۱۶۳..... فصل چهارم: تحولات بازار کار زنان

(رکسانا بهرامی تاش و هادی صالحی اصفهانی)

فصل پنجم: تأثیرات تجارت جهانی بر نابرابری جنسیتی در ایران..... ۲۱۷
با تأکید بر زنان قالیباف (زهره کریمی)

فصل ششم: زنان سرپرست خانوار در ایران..... ۲۴۹
اعتباردهی خرد در برابر خیریه (رکسانا بهرامی تاش)

فصل هفتم: اقتصاد پوشیده..... ۲۹۵
جستار بخش غیررسمی (رکسانا بهرامی تاش و شهلا کاظم پور)

فصل هشتم: مساعی و قلم‌افشاده زنان در ایران..... ۳۳۵
(فاطمه اعتماد مقدم)

فصل نهم: استراتژی‌های بازار کار زنان مهاجر ایرانی..... ۳۵۵
روندی پیچیده و درهم‌تنیده (زهره میرزا کانی‌شانی)

منابع و مآخذ..... ۳۹۷
فهرست اعلام..... ۴۱۳

پیشگفتار

کسانا بهرامی تاش و هادی صالحی اصفهانی

در زمستان سال ۱۳۸۳، رکسانا بهرامی تاش در کنفرانسی بین‌المللی در تهران شرکت کرد که در آن، کارگران، کارفرمایان و کارآفرینان و مقامات دولتی برای حل مسائلی مانند دستمزدها و بیکاری در هر دو طرف گرد آمده بودند. این کنفرانس به شدت تحت تأثیر رویکرد سازمان جهانی کار^۱ در وزارت کار و رفاه اجتماعی به مفهوم «کار شایسته»^۲ بود. پس از سخنرانی بهرامی تاش و یکی از همکاران سابق که در آن زمان با سازمان جهانی کار همکاری می‌کرد، به سمیناری دیگر رفتند. در راه، بحث در مورد مسئله اشتغال زنان در ایران آغاز شد که طی آن بهرامی تاش و نماینده سازمان جهانی کار (که بومی ایران بود) ناامیدی خود را نسبت به تصورات غرب از تصویر جهانی زنان ایرانی در میان گذاشتند. بحث حول تفاوت بین تصورات ذهنی

1. International Labour Office (ILO)

2. Decent Work

خارجی‌ها از ایران و واقعیت کشور می‌چرخید، و هر دو، یعنی بهرامی‌تاش و نماینده سازمان جهانی کار که مانند او به‌طور منظم به ایران سفر می‌کرد و از تغییرات صورت گرفته طی چند دهه گذشته آگاه بود در این مورد همدرد بودند. این نماینده، مانند بسیاری از بازدیدکنندگان، اذعان کرد که تصویر سانه‌های غربی از ایران، تصویری تاریک از زنان این کشور ارائه می‌دهد. از نظر بسیاری از غربی‌ها، تفاوت‌های بین ایران و عراق یا حتی عربستان سعودی بسیار ناچیز است و هنگام اظهارنظر، بین این کشورها تفاوتی قائل نمی‌شوند. در بیشتر موارد، ایران به عنوان مکانی به تصویر کشیده می‌شود که در آن، دیدگاه‌ها، مجور قرون وسطایی نسبت به زنان وجود دارد. درست است که موقعیت زنان به‌ویژه زنان طبقه متوسط، پس از انقلاب ۱۳۵۷، دستخوش تغییرات جدی شده است، اما بررسی وضعیت زنان ایرانی بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی است که اغلب در خارج از کشور تصور می‌شود.

توسعه / مدرنیزاسیون

مطالعات توسعه، پس از جنگ جهانی دوم، در یک حوزه پژوهشی مجزا تبدیل شد. مبنای جامعه‌شناختی این حوزه جدید، نظریه مدرنیزاسیون بود که برگرفته از کارکردگرایی ساختاری و اثر جامعه‌شناس برجسته دوران پس از جنگ، تالکوت پارسونز بوده است. توسعه / مدرنیزاسیون بر تحولات اجتماعی کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره سابق (که در حال حاضر جهان سوم نامیده می‌شوند) از سنتی به مدرن تأکید دارد. این تحول اساساً به عنوان امری یک‌طرفه و تکاملی در نظر گرفته شده است که از طریق اقتصاد بازار میسر می‌گردد. در تمامی دوران جنگ سرد، جریان غالب دانشگاهی در کشورهای غربی به طور کلی و در ایالات متحده به طور خاص، مطالعات توسعه و نظریه مدرنیزاسیون، نسبت به محبوبیت روزافزون ایده‌های

سوسیالیستی ابراز نگرانی می‌کردند.

در همان زمان، در اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق، مدرنیزاسیون کاملاً پذیرفته شده بود و تنها تفاوت، در آن بود که این سیاست از سوی حزب کمونیست حاکم و از طریق برنامه‌های سرکوبگرانه دولت صورت می‌گرفت. این برنامه‌ها که در برخی موارد سختگیرانه بودند، برای مدتی سبب تسریع صنعتی شدن و رشد اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی، به‌ویژه در دهه ۹۳ شدند، زمانی که جهان غرب از رکود بزرگ رنج می‌برد. موضعیت اقتصادی اولیه برنامه‌های شوروی به جاذبه سیاسی سوسیالیسم در جهان سرم افرد و به تهدیدی برای فرادستی قدرت‌های غربی تبدیل شد. این تهدید، این دیدگاه را در غرب تقویت کرد که برای مقابله با ترویج گرایش‌های سوسیالیستی در کشورهای جهان سوم، رشد اقتصادی بیشتری در این کشورها ضروری است.

اگرچه اعتقاد به توسعه اقتصادی از طریق بازارهای خصوصی در غرب به قدرت خود باقی ماند، اما تجربه رکود بزرگ در غرب و رشد اقتصادی در اتحاد جماهیر شوروی، این نگرش تقویت کرد که بازارهایی که به حال خود رها شده‌اند، ممکن نیست بازارهایی کاملاً مطلوب باشند. اینکه برای تقویت رشد اقتصادی، به‌ویژه در کشورهای کم‌درآمد به مداخلات گسترده دولت نیاز است. نظریه اقتصاد کلان جان مینارد کینز و دیدگاه‌های مداخله‌گر اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم، مانند ایده «فشار بزرگ»^۱ پال نارکیز روستو-رودن^۲، «اقتصاد دوگانه»^۳ آرتور لویس^۴ و «مراحل رشد اقتصادی»^۵ روستو^۶،

1. Big Push

2. Paul Narcyz Rosenstein-Rodan 1943.

3. Dua Economy

4. Arthur Lewis 1955.

5. Stages of Economic Growth 1956.

6. W.W. Rostow

همگی نقش‌های مهمی را برای دولت در ایجاد رشد اقتصادی از طریق صنعتی‌شدن سریع قائل بودند. به‌طور خاص، استراتژی «صنعتی‌سازی برای جایگزینی واردات»^۱، که اغلب با کنترل گسترده دولت و مالکیت دولتی شرکت‌ها همراه است، در کشورهای جهان سوم بسیار رایج شد. تأکید بر صنعتی‌شدن سریع، همچنین شامل تجاری‌سازی کشاورزی و انتقال نیروی کار آن بخش و سایر منابع، به بخش تولید صنعتی بود.

استراتژی صنعتی‌سازی برای جایگزینی واردات در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به‌خصوص آنهایی که دارای بازارهای داخلی بزرگ‌تر بودند، برای مدتی در ایجاد رشد اقتصادی موفقیت‌آمیز بود. با اینحال، این رشد ناگهانی دیر یا زود متوقف شد، اغلب به این علت که در زمان کاهش فرصت‌های کاری سهل‌الوصول بازارهای داخلی، دولت‌ها استطاعت لازم را برای فراتر رفتن از استراتژی صنعتی‌سازی برای جایگزینی واردات نداشتند. سیاست‌های صنعتی‌سازی جایگزینی واردات، دسترسی اقتصادی به منابع جهانی، به‌ویژه فناوری‌های جدید و ابزارهای سازمانی را محدود و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در نیروی تولید را تضعیف کرد. تا دهه ۱۹۷۰، این ضعف‌ها در همه کشورهای پیگیر صنعتی‌سازی برای جایگزینی واردات مشهود بود. با شوک قیمت نفت در سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۷۴ و ۱۹۷۹-۱۹۸۰ افزایش شدید نرخ بهره طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳، بسیاری از کشورهای در حال توسعه با مشکلات و بحران‌های اقتصادی عمده‌ای مواجه شدند. به‌ویژه، کشورهای واردکننده نفت که در برابر قیمت‌های بالاتر نفت استراتژی‌های قدیمی خود را حفظ کرده بودند، مجبور به گرفتن قرض‌های سنگین و در اوایل دهه ۱۹۸۰، گرفتار بحران‌های بدهی‌های سنگین شدند.

در جریان غالب ادبیات توسعه در سنت‌های آکادمیک غربی، دو رویه از ابتدا وجود داشته است. یکی به‌شدت بر رشد اقتصادی تأکید دارد و سازمان‌هایی نظیر بانک جهانی و دفتر توسعه بین‌المللی ایالات متحده^۱ مروج آن هستند، و دیگری بر توسعه انسانی و برابری درآمد تأکید می‌کند و سازمان‌هایی مانند سازمان ملل از آن پیروی می‌کنند. موضع این سازمان‌ها و افراد در این دو رویه مطلق نیست، اما اولویت آنها در مورد این دو شق، تقریباً روشن است. با گذشت زمان، سازمان ملل متحد از رویه صرفاً مرتبط با رشد اقتصادی به سوی اتخاذ الگوهایی با تأکید بیشتر بر توسعه انسانی گام برداشت. این حرکت از مراحل مختلفی مانند رویکرد نیازهای اولیه و توسعه پایدار و توسعه مشارکتی (مردم‌محور) گذر کرده است. با اینحال، در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ هر دو رویه در زمینه توسعه / مدرنیزاسیون، به‌خصوص دیدگاه متمرکز بر رشد اقتصادی به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفتند، عمدتاً به این دلیل که این رویه‌ها حامی وابستگی ایالات متحده در جهان غرب و سیاست خارجی آن در نظر گرفته می‌شدند. این نقدها از سوی جامعه‌شناسان و اقتصاددانان سیاسی نظیر آندره گوندر فرانک^۲، بنیانگذار «نظریه وابستگی»^۳ و امانوئل والرشتاین^۴، بنیانگذار «نظریه سیستم جهانی»^۵ مطرح گردیدند.

اقدامات مربوط به توسعه در بسیاری از نقاط جهان با موفقیت بسیار فاصله داشت. در اوایل دهه ۱۹۷۰ مشخص شد که اقدامات مربوط به توسعه در بسیاری از نقاط جهان شکست‌های سنگینی خورده‌اند و نه تنها به توجّه آن، کشورهای جنوب صحرای آفریقا بودند. زمینه‌های توسعه تحلیلی یافتند، فقر و عدم تناسب درآمد بیشتر شد و مهاجرت گسترده به شهرها جمعیت

1. OSAID

2. André Gunder Frank 1967.

3. Dependency Theory

4. Immanuel Wallerstein 1974.

5. World System Theory

شهری را افزایش داد و مردم هر روز بیشتر در بیغوله‌ها و حلیی آبادها سکنی می‌گزیدند.

توسعه/ مدرنیزاسیون نه تنها در بسیاری از نقاط جهان به مثابه الگویی اقتصادی با شکست روبرو شد، بلکه، از آنجا که بخشی از «صلح آمریکایی»^۱ محسوب می‌شده، با حمایت ایالات متحده از دیکتاتورهای بدون پشتوانه بمباران ژنرال پینوشه در شیلی، مارکوس در فیلیپین و سوهارتو در اندونزی همراه بوده است. درست که در مواردی که ذکر شد، از نظر اقتصادی، افزایش در درآمد سرانه ایجاد شد، اما بیشتر افزایش نتوانست در میان مردم رخنه کند و «امید و نا رضایتی از دیکتاتوری‌های تحت حمایت ایالات متحده، بیشتر کشورهای اروپایی و ژاپن به وجود آمد. در بستر جهان اسلام، ایالات متحده دو کودتا را مورد حمایت قرار داد، یکی در اندونزی و دیگری در ایران. کودتای ۱۹۵۳ - مابین سازمان سیا در اواسط دهه ۱۹۶۰ در اندونزی سبب کشته شدن نزدیک به یک میلیون غیر نظامی شد. دستورالعمل غربی برای دستیابی به توسعه همیشه موفق نبود، اما جایگزین آن، یعنی الگوی شوروی، به همان اندازه با افول تدریجی اتحاد جماهیر شوروی در اواخر دهه ۱۹۷۰، نیز بی اعتبار شد. در این کشور و در جستجوی یک ایدئولوژی جایگزین بود که حامیان اسلام سیاسی شروع به کسب قدرت کردند. اضمحلال استراتژی صنعتی سازی برای جایگزینی واردات و صادرات در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به رواج مجدد دیدگاه‌های بنیادگرایانه بازار (یا نئولیبرال) در اقتصاد توسعه منجر شد. اقتصاددانان طرفدار این دیدگاه

۱. پکس امریکانا (انگلیسی: Pax Americana، معادل لاتین «صلح آمریکایی»)، عبارتی است ناظر بر مفهوم صلح نسبی در نیمکره غربی و بعدها در جهان در نتیجه برتری ایالات متحده آمریکا که از میانه قرن بیستم مورد استفاده قرار گرفت. این مفهوم ناظر بر آن صلحی است که گفته می‌شود می‌تواند بر پایه و به واسطه اقتدار بی چون و چرای آمریکا می‌تواند جهان را از گرفتار شدن جنگ جهانی دیگری در امان دارد.

معتقد بودند که دلیل گرفتاری‌های کشورهای در حال توسعه دخالت‌های وسیع دولت بوده که بازارها را از شکل طبیعی آن خارج و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را تضعیف کرده است. به اعتقاد آنها، دولت‌ها ناکارآمد بوده‌اند و پیامدهای مداخلات آنها بسیار بدتر از پیامدهای بازار بوده است. علاوه بر این، مداخلات گسترده سبب افزایش فساد شد و اوضاع را وخیم‌تر کرد. آنها می‌گفتند که نقش دولت باید در حد حفظ قانون و مقررات و حقوق مالکیت باقی بماند تا بازارها باز شوند و تجارت آزاد با خود رونق را به‌همراه آورد. برخی، «عجزات» اقتصادی در شرق آسیا را براساس ارتقاء صادرات به‌عنوان اثبات این دیدگاه تفسیر و از این الگو حمایت می‌کردند.^۱ بانک جهانی و صندوق چهار به یک، این رویکرد نئولیبرالی را پذیرفته و به‌مثابه بخشی از «برنامه‌های تعدیل ساختاری»^۲ در بسیاری از کشورهای جنوب به شدت از آن حمایت می‌کردند. برنامه‌های قابل ساختاری سعی کردند تا سیاست‌ها را بر رشد اقتصادی متمرکز سازند. بر امر به کاهش برنامه‌های رفاه اجتماعی منجر گردید. در نتیجه، توزیع درآمد بدتر شد و در مواردی حتی فقر افزایش یافت، اما رشد اقتصاد بلندمدت تحقق نیافت.^۳ این سیاست‌ها به‌ویژه به زنان خانواده‌های کم‌درآمد فشار وارد آورد. به همین دلیل، بسیاری از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان زن‌پس ای. آامسدن^۴، تی. اسکاچپل^۵ و آر. وید^۶ رویکرد نئولیبرال به توسعه را مورد انتقاد قرار دادند. در حوزه اقتصاد فمینیستی، بسیاری از دانشگاهیان در باب تأثیر منفی برنامه‌های تعدیل ساختاری بر زنان نگاشتند.^۷

1. Bhagwati and Desai 1970; Lal 1983; Little 1982, 1988.

2. Structural Adjustment Programs

3. Easterly 2001, 2006.

4. A. Amsden 1985

5. T. Skocpol 1985

6. R. Wade 1992

7. Moser 1989; Palmer 1991; Çagatay, Elson and Grown 1995.